

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تذکر به یک نکته مهم در ارتباط با قاعده

بحث در این بود که عموم در قاعده «ما یضمن» چه نوع عمومی است؟ آیا عموم اشخاصی و افرادی است یا اصنافی است یا انواعی؟ کلام شیخ(قده) و محقق نائینی(ره) را ذکر کردیم و اشکالات کلام محقق نائینی(رض) را بیان کردیم. قبل از ادامه این بحث، یک نکته‌ی مهمی را عرض کنم. بحث در اینکه مراد از این عموم چه عمومی است؟ ممکن است در ذهن شما این اشکال بیاید که اگر ما دلیل این قاعده را «علی الید» قرار دهیم، چه فرقی می‌کند، عموم را هر جور می‌خواهید معنا کنید؟! اگر دلیل قاعده، «علی الید» ما أخذت حتی تؤدیه» باشد، نتیجه این می‌شود که هر جا ید تحقق پیدا کند، ضمان هست، جایی که ید نباشد ضمان نیست، خواه ما عموم را افرادی بگیریم یا اصنافی و انواعی بگیریم. این اشکال در ذهن بعضی از فضلا هم بود.

اساساً بزرگانی مثل مرحوم سیّد، محقق ایروانی، محقق خوئی(رحمهم الله)، وقتی که گفتند ما نباید در مفاد قاعده بحث کنیم، یکی از حرفهایشان همین است که می‌گویند ما باید ببینیم دلیل چه می‌گوید؟ «علی الید» در کجا جاری است و کجا جاری نیست! مثلاً در «بعثک بلا ثمن» یا «أجرتك بلا أجرة»، اگر «علی الید» جاری بود، ضمان هست، و اگر جاری نبود، ضمان نیست، دیگر وجهی ندارد که ما در مفاد این قاعده بحث کنیم.

جواب این است که درست است که ما خود این قاعده را در آیه یا روایتی نداریم؛ اما بالأخره یک قاعده مشهور و معروف در السنه فقهاست و برای این قاعده، ادله‌ای از جمله «علی الید» اقامه شده است، نه اینکه تنها دلیلش «علی الید» باشد. برای این قاعده شاید پنج شش دلیل باشد، قاعده «حرمة مال المؤمن»، قاعده «أقدام»، «علی الید». پس «علی الید» تنها دلیل نیست. آنگاه نکته اصلی این است که چه بسا ما بخواهیم به این سمت حرکت کنیم و بگوئیم این یک قاعده معروف و مسلّم نزد فقهاست که می‌گویند «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده»، کنارش هم حدیث «علی الید» باشد. وقتی این دو را کنار هم قرار دهیم، نتیجه بگیریم که ما دو جور «ید» داریم، «ید عقدی» و «ید غصبی». این تقسیم را درست کنیم. «علی الید» می‌گوید جایی که کسی بر مال غیر ید پیدا کند، إذن نداشته باشد و عدوانی باشد، یک ید هم ید عقدی است، ید عقدی و لو اذن در آن هست، ولی غصبی و عدوانی نیست.

می‌خواهیم بگوئیم «ید عقدی» در بعضی از موارد ضمان آور است، جایی که در صحیح عقد، ضمان است. یعنی جایی که «ید عقدی» فاسد ضمان آور است؛ جایی است که عقد صحیحش ضمان آور باشد. در ید عقدی و لو اذن هم فی الجمله موجود باشد، می‌خواهیم به برکت قاعده «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده» بگوئیم اگر کسی در مال غیر ید پیدا کرد و لو در این ید هم یک اذنی وجود دارد، اما هر اذنی مانع از ضمان نیست. در عقد صحیح ید هست، ید مأذون هم هست، اما ضمان وجود دارد. ید، اگر ید عقدی شد، و لو در آن یک اذنی باشد، و لو این اذن هم در عقد صحیح وجود دارد و هم در عقد فاسد، اما هر اذنی

مانع از ضمان نیست. اگر در یک ید عقدی، در عقد صحیحش ضمان بود، در فاسدش هم ضمان است، و اگر در صحیحش ضمان نبود، در فاسدش هم ضمان نیست.

حالا ما دیگر نمی‌آئیم بگوئیم فقط ید عدوانی ضمان‌آور است. بعبارة آخری؛ اگر ما باشیم و حدیث «علی الید»، «علی الید» می‌گوید ید غیر مأذون، ضمان آور است، ید عدوانی، ضمان آور است. اما با قاعده «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده»، یک مقدار دایره‌ی ضمان توسعه پیدا می‌کند. با «علی الید» دایره‌ی ضمان در همان ید غیر مأذون است. اما وقتی «ما یضمن بصحیحه» را پذیرفتیم و گفتیم این هم یک قاعده است، و لو یک قاعده‌ی اصطیادی است، اما یک قاعده است، دایره ضمان یک مقداری توسعه پیدا می‌کند، می‌گوید در بعضی از موارد، و لو اذن هم باشد، ضمان هم هست. در ید عقدی، دو نفر که معامله‌ای می‌کنند، بایع خودش اجازه می‌دهد که مشتری جنس را بگیرد، اذن داده، اما عقد فاسد است، این ید و لو در آن اذن فی الجمله هم وجود دارد، اما می‌گوییم اگر در عقد صحیحش ضمان بود، در فاسدش هم ضمان است، اگر در عقد صحیحش ضمان نبود، در فاسدش ضمان نیست. این بیانی است که ما عرض می‌کنیم، در هیچ کتابی هم این بیان را ندیدیم. ما این قاعده را که کنار «علی الید» بگذاریم، نتیجه این می‌شود که «علی الید» برای بعضی از موارد این قاعده می‌تواند دلیل باشد. «علی الید» به عنوان اینکه بتواند دلیل و مدرک جمیع موارد قاعده باشد، نیست، بلکه برای بعضی از مواردش دلیل است.

پس اشکال از اینجا است که اگر ما دلیل این قاعده را «علی الید» بدانیم، دیگر این بحث چه فایده‌ای دارد که بگوئیم عموم افرادی باشد، اصنافی باشد یا انواعی باشد، هر جا ید آمد، ضمان هست، هر جا ید نبود، ضمان نیست. جواب این است که ما می‌خواهیم خود این قاعده را به عنوان یک مدرک برای ضمان به صورت مستقل مطرح کنیم، بگوئیم از این قاعده «ما یضمن»، ضمان استفاده می‌شود، از «علی الید» هم ضمان استفاده می‌شود، منتهی تناسب و ارتباطش به چه نحوی است؟ گفتیم «علی الید» فقط بر ید غیر مأذون، ضمان را اثبات می‌کند، اما قاعده «ما یضمن» می‌گوید حتی در عقد فاسد، و لو اذن اجمالی و فی الجمله هم وجود دارد، اما به همین ملاک در صحیحش ضمان است، در فاسد هم ضمان هست، دایره ضمان را توسعه می‌دهد.

امروز قصد داشتیم نظر شریف امام(رض) در بحث عموم انواعی و افرادی را بخوانیم، منتهی بعید می‌دانم بتوانیم همه‌اش را ذکر کنیم. لذا همینجا بحث را قطع می‌کنم و چند کلمه‌ای راجع به محرم ذکر می‌کنم. اینجا بحث عموم مجموعی و استغراقی نیست، «عموم مجموعی»؛ یعنی «مجموع من حیث المجموع»، یعنی فرد فرد را کار ندارد، بلکه مجموع من حیث المجموع ملاک است. «عموم انواعی»؛ در اینجا نوع در مقابل فرد نیست؛ بلکه در مقابل صنف است، یعنی می‌گوئیم نوع صلح من حیث هو صلح، یک صلح معوض داریم، صلح معوض می‌شود یک حصّه، عاریه می‌شود نوع، و عاریه‌ی ذهب و فضه، می‌شود صنف، یعنی اگر یک قیدی به نوع بزنیم، صنف می‌شود. اینجا بحث نوع و صنف هیچ ارتباطی به بحث عام مجموعی و استغراقی ندارد.

محرم و درسهای نهضت حسینی

در آستانه ماه محرم الحرام؛ ماه عزاداری اباعبدالله الحسین(علیه السلام) واقع شدیم. گرچه خود آقایان از ما بیشتر احاطه دارید، اما به عنوان تذکر چند نکته را عرض می‌کنم. اولین نکته این است که واقعاً در این دهه محرم، خود ما در حقیقت این حماسه حسینی بیشتر رسیدگی کنیم، بیشتر به آن معرفت پیدا کنیم. خود روحانیت از این حرکت الگو بپذیرد. یعنی قبل از آنکه دنبال این باشیم که جامعه و نوع مردم از این حرکت الگو بگیرد، نهضت حسینی و نهضت اباعبدالله الحسین(سلام الله علیه) باید الگویی برای روحانیت باشد و روحانیت در هر زمانی به این الگو بیش از هر الگوی دیگری احتیاج دارد. شما حرکت امام(رضوان الله تعالی علیه) و ایجاد این نظام جمهوری اسلامی را اگر در غیر از تأثیر پذیری و در غیر از الگوپذیری از نهضت اباعبدالله(ع) تفسیر کنید، یک تفسیر باطلی است. امام(رض) با آن درک عمیقی که از حرکت امام حسین(علیه السلام) پیدا کرده بود این نهضت را آغاز کرد و این حرکت و این قیام را ایجاد کرد. امام(رض) متوجه این نکته شد که آن زمانی که دین در خطر است، آن زمانی که همه همه‌ها و توطئه‌ها متوجه ریشه‌کن کردن دین است، انسان باید آمادگی برای همه مصائب پیدا کند. لذا

در زندگی امام(رض) می‌بینیم که کاملاً از همان اول که فریاد برآورد، خودش را برای شهادت در راه خدا آماده کرده بود و اگر آن آمادگی نبود، ایستادگی امام محقق نمی‌شد و اگر ایستادگی و مقاومت امام نبود انقلاب ما به پیروزی نمی‌رسید. این الگو پذیری باید برای ما باشد، یعنی روحانیت واقعاً همیشه باید در جلوی چشم خودش اباعبدالله را به عنوان یک الگو، آن هم الگوی همیشگی قرار دهد.

در جایی که نیاز به حضور در میدان است، در جایی که نیاز به این است که ما برای دین، وجود خودمان را هم فدا کنیم، واقعاً باید آمادگی داشته باشیم. تمام این زحماتی که ما می‌کشیم و این دقت‌هایی که در این بحث‌های فقهی و اصولی داریم، این إن قلت و قلت‌هایی که داریم، برای این است که بتوانیم یک قدمی برای شناخت دین برداریم. بعد از آن چه کنیم؟ دین را حفظ کنیم، تقویت کنیم، دین را نگه داریم و به یک اندازه‌ای امانتدار این رسالت پیامبر(ص) و ائمه طاهرین(ع) باشیم. پس باید واقعاً این روحیه همیشه در ما زنده باشد.

در دهه محرم، روحانیت قبل از اینکه توجّهش به جامعه باشد و قبل از ارائه الگو به جامعه، به دنبال این باشد که خودش متأثر و پذیرای این الگو باشد. بنابراین؛ باید در حرکت امام حسین(ع) دقت بیشتری شود، باید نسبت به حقیقت این حرکت، انسان آگاهی بیشتری پیدا کند. گاهی اوقات در تاریخ حوزه‌های ما افرادی پیدا شده‌اند که وسوسه‌های غیر صحیح در ذهنشان ایجاد شده، گاهی اوقات تعبیر کردند به اینکه مثلاً امام حسین(ع) فقط برای تشکیل حکومت قیام کرد. بعد با این سؤال مواجه شدند که امام حسین(ع) که می‌دانست با یک عده کمی نمی‌تواند حکومت تشکیل دهد، چطور آمد این حرکت را آغاز کرد. آن روح اصلی حماسه حسینی که روح مبارزه‌ای با دشمنان دین بوده، آنهایی که دنبال بدعت‌گذاری در دین، دنبال تحریف در دین، از بین بردن معالم و آثار پیامبر(ص) بودند، امام حسین(ع) در مقابل اینها قیام کرد. هدف اصلی امام حسین(ع)؛ از بین بردن ظلم بود، از بین بردن کسانی که قصد داشتند دین را از بین ببرند. این نکات، نکاتی است که باید خیلی مدّ نظر قرار گیرد. یعنی اگر همین مطلب را شما در دو کفّی ترازو بگذارید، یکی این است که بگوئیم امام حسین(ع) برای ایجاد حکومت اسلامی حرکت کرد، کفه دیگری این است که امام حسین(ع) دید شرایط، شرایطی است که از دین هیچ چیز باقی نمانده، نه از حقیقت قرآن چیزی باقی مانده و نه از آثار پیامبر(ص) چیزی باقی مانده و از اسلام فقط یک اسم باقی مانده. ظلم به نحو وفور و جامع در جامعه وجود دارد، از حاکم گرفته تا غیر حاکم.

اینها را ملاحظه کرد و تنها راه برای از بین بردن و نشان دادن رسوایی اینها به مردم، این بود که در این راه خون اولاد و اصحاب خودش را بدهد، اسارت اهلیت خودش را بپذیرد، دین را در کفّی دیگر بگذارد. اصلاً نیاز به این همه بحث‌های علمی و تاریخی نیست. گاهی اوقات روی بعضی از تعابیر امام حسین(ع) تکیه می‌کنند که امام(ع) فرمود: «أريد أن آمر بالمعروف و أنهي عن المنكر و أسير بسيرة جدی رسول الله(ص)»؛ این تعبیر چه بسا ایهام در این دارد که حضرت برای اقامه‌ی حکومت اسلامی حرکت کرد. اما این معنا هم در آن وجود دارد که نه برای حکومت اسلامی، بلکه برای رفع ظلم قیام کرد.

نیاز به این نیست که روی تعابیر دقت کنیم، خود اینکه این دو مطلب را در دو کفّی ترازو قرار دهیم؛ یکی اینکه حضرت دید باید ظلم از بین برود و لو حکومت اسلامی ایجاد نشود، دوم اینکه حرکت کند برای حکومت اسلامی، آن هم نه خود حضرت. دیگران هم می‌دانستند که حضرت موفق نمی‌شود، افراد عادی هم می‌دانستند که حضرت در این مطلب موفق نمی‌شود، بعد هم وارد این مسأله علم امام(ع) شوند. ملاحظه کرده‌اید گاهی اوقات افراد در اثر ضعف علمی که داشتند به این مرحله رسیدند که علم امام را هم در این حادثه انکار کنند، با این همه قرائن فراوانی که تمام جزئیات حادثه را قبلاً بیان کرده بودند، از زمان و زبان پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) اینها گفته شده بود، در شرایط مختلف. حالا می‌خواهم عرض کنم که خود این قضیه به ما درس می‌دهد که امام حسین(ع) آن زمانی که دید دین جدّش در خطر است و اگر یک حرکت خونین و شهادت گونه آغاز نشود و انجام نشود، دیگر چیزی از اسلام و آن اسلام حقیقی باقی نمی‌ماند، قیام کرد. این روح حرکت امام حسین(ع) بود.

این را ما باید همیشه برای خودمان به عنوان الگو و سرمشق قرار دهیم، در زمان‌های مختلف، شرایط مختلف برای دین بوجود

می‌آید، ما نباید فکر کنیم، این هم یک فکر باطل است، نباید فکر کنیم که دین در یک زمان فقط در خطر قرار گرفت، آن هم در زمان اباعبدالله الحسین(ع) بود، و دیگر تا قیام آخرین حجت خدا(ع) چنین خطری احساس نمی‌شود و پیشوایان دینی و مردم و روحانیت باید مشغول کارهای معمولی خودشان باشند و کاری به این امور نداشته باشند. نه! انسان هر زمانی که دید واقعاً دین در خطر است، باید آمادگی برای همه میدان‌ها داشته باشد.

دقت کنید! در زمان ما دشمن به این نتیجه رسیده که باید ریشه‌ی اسلام را بزند، دشمن به این نتیجه رسیده که باید ریشه مذهب شیعه را بزند، بحث اینکه حالا در یک نقطه‌ای از نقاط دنیا یک جمعی و یک جمعیتی، یک حکومتی به نام حکومت اسلامی دارند، انقلاب اسلامی بوده، فقط بخواهند در این حکومت تأثیرگذار باشند و خدایی نکرده بخواهند در این منطقه به اهداف خودشان برسند، فقط این نیست. اگر فکر کنیم که دشمنی در همین اندازه است، بسیار ساده نگری است، گروه‌های فکری اینها بیش از سی سال است - سی سالش یقینی است - دیگر بعد از انقلاب اسلامی خطر وجود اسلام را اینها توجه پیدا کردند. شما ببینید امروز در مهد آزادی؛ در سوئیس حاضر نیستند برای مسجد، یک مناره ساخته شود. چرا؟ مگر مناره مسجد چه قدرتی در مقابل قدرتهای آنها دارد؟ حاضر نیستند این اثر را از اسلام ببینند. اینها کشف از این می‌کند که آن نقشه‌ای که دارند که من همینجا عرض کنم که واقعاً دشمن در حال طراحی نقشه‌های عظیم برای مسلمین است. قضیه‌ای که امروز در یمن واقع شده در پرتو همین است.

شما فکر می‌کنید یمن که همسایه‌ی عربستان است، هر دو هم گروه عربی هستند و بحث عرب و عجم هم مطرح نیست، هر دو هم مسلمان هستند، اما این حمله‌های عجیب و غریب وحشتناک و بسیار درنده‌ای که عربستان نسبت به مردم یمن دارد، اینها تحت چه برنامه‌ای طراحی شده است؟ قضایای افغانستان، قضایای عراق، قضایای پاکستان، همه اینها کشف از یک طراحی می‌کند که باید اسلام را از بین برد. نقشه اینها هم اینطور نیست که اسلام را برای امروز و فردا از بین ببرند، از الان این نقشه را تهیه می‌کنند و اسلام را و لو خدایی نکرده به زعم باطل خودشان؛ در 50 یا 100 سال آینده از بین ببرند. پس درس اول از حرکت عاشورا این بود که خودمان واقعاً آماده هر میدانی باشیم مخصوصاً روحانیت.

مطلب و درس دومی که ما از حرکت عاشورا می‌گیریم این است که دشمن و توطئه‌هایش را درست بشناسیم و باورمان باشد که دشمن دنبال ریشه کن کردن اساس اسلام است. مطلب سوّم و نکته‌ی بسیار مهمی که در ادامه‌ی این درس اول و دوم هست این است که جامعه‌مان را درست آگاه کنیم، واقعاً حقایق نهضت حسینی را برای مردم صحیح بیان کنیم. مخصوصاً آنهایی که منبر می‌روند، آنهایی که برای مردم صحبت می‌کنند، قضیه‌ی اباعبدالله الحسین را به صورت محرّف ذکر نکنیم. یکی از تحریفات عاشورا این است که بگوئیم عاشورا اختصاص به آن زمان داشت و تمام شد. این هم یکی از تحریفاتش است. یکی از خیانتها و ظلمها به حرکت اباعبدالله الحسین(ع) این است که بگوئیم آن حرکت، مخصوص آن زمان بود و انجام شد و تمام شد و باید در بایگانی تاریخ ثبت شود. خیر؛ حرکت اباعبدالله(ع) امروز برای زمان ما مسئولیت ساز است، آن کسی که امروز از آن حرکت درس بگیرد، او هم به اباعبدالله الحسین(ع) ظلم کرده است. امیدواریم إن شاء الله در این دهه محرم، همه ما به وظیفه دینی و انقلابی خودمان به نحو احسن عمل کنیم و دعای همه ما و مردم این باشد که انقلاب‌مان از توطئه‌ها و هجمه‌هایی که به سویس هجوم آورده مصون بماند و ما برای مقابله با آن توطئه‌ها و هجمه‌ها همه گونه فداکاری را داشته باشیم.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.